

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	مشخصات نشر	مشخصات ظاهری
جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.	۵۲۱ص.
موضوع	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا	رده‌بندی دیویی
بلاها - - جنبه‌های جامعه‌شناختی.		۳۴۷/۳۶۳
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.	
موضوع	مسائل اجتماعی - ایران - تهران.	
موضوع	مدیریت بحران - ایران - تهران.	
موضوع	بلاها - - آینده‌نگری.	
رده‌بندی کنگره		۱۳۹۵ ج ۲ / ۵۵۳ HV

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

اخلاق اجتماعی و خلییات ایرانی



آیا آنها گوسفندند؟

در ستایش و نکوهش بی تفاوتی اجتماعی

فاطمه سادات علمدار

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

میان خبر کوتاه «پلاسکو آتش گرفت» تا خبر هولناک «پلاسکو فروریخت»، حدود سه ساعت و نیم فاصله بود، ولی میان یک آتش‌سوزی به‌مثابه یک حادثه نه چندان خاص، با فروریختن اولین برج بلند ایران که نماد مدرنیزاسیون شهری است، فاصله بسیاری است. در این مدت زمان کوتاه که خبری معمولی به تیتراژ یک اخبار رسانه‌های مختلف داخلی تبدیل شد، جمعیت بسیاری در محل حادثه حاضر بودند و حاضر شدند. جمعیتی که شاید در ابتدای برخاستن دود از ساختمان پلاسکو نمی‌دانستند که در حال حاضر در محل یک حادثه «مهم» قرار دارند. ساختمان پلاسکو در خیابان جمهوری واقع شده بود، مابین

۱. عنوان اشاره دارد به مطلب پرتکراری در شبکه‌های اجتماعی، با تصویر یک گله گوسفند، با این زیرنویس که «پلاسکو فروریخت، بریم ببینیم چه خبره!»

خیابان فردوسی و لاله‌زار. منطقه‌ای که بورس انواع مختلف محصولات است و کارگاه‌های تولیدی و فروشگاه‌های کوچک و بزرگ و انبارهای بسیاری را در خود جای داده است. حادثه در ۳۰ دی‌ماه اتفاق افتاد، در حالی که تنها دو ماه به پایان سال جاری مانده است و طبیعتاً کارگران، تولیدکنندگان، فروشندگان و خریداران بسیاری در همان ساختمان یا خیابان‌ها و ساختمان‌های حوالی مشغول بوده‌اند یا قصد آمدن به همان حوالی را داشته‌اند. تنها خود ساختمان پلاسکو ۵۶۰ واحد تجاری فعال داشت که بیشتر آنها تولیدی‌های پوشاک بودند. با یک حساب ساده می‌توان دریافت که جمعیت پراکنده زیادی در منطقه وجود داشت که دود برخاسته از ساختمان توجه‌شان را جلب کند و حتی ترغیشان کند که با تصویری که نمی‌دانند قرار است تا چند ساعت دیگر تیتراژ یک اخبار شود، سلفی بگیرند. اگر آن آتش خاموش می‌شد و آتش‌نشانان محل را ترک می‌کردند، آن واقعه، مانند بی‌شمار واقعه‌ای که هر روز در این شهر رخ می‌دهد، به سادگی به فراموشی سپرده می‌شد و مهم نبود که چه کسانی آن را از نزدیک دیده‌اند و با آن سلفی گرفته‌اند. ولی ساختمان پلاسکو فرو ریخت. خبر از «پلاسکو آتش گرفت»، به «نماد تهران جدید و معماری مدرن پایتخت فرو ریخت» تغییر کرد و عده‌ای نامعلوم در اثر این واقعه جان خود را از دست دادند. حالا دیگر تعریف وضعیت تغییر کرده است. جمعیتی که در منطقه است، عده‌ای تماشاگر که به تصادف، در زمان مناسب، در محل مناسب، بوده‌اند، نیستند؛ افرادی هستند که می‌خواهند آن‌جا باشند و علی‌رغم هشدارهای نیروهای امنیتی و امدادی در مورد تبعات حضورشان در محل - هم برای خودشان و هم برای مصدومان احتمالی حادثه و هم برای فرایند امدادسانی - مصمم‌اند که حضورشان را حفظ کنند. آیا آن‌ها «گوسفندند»؟

به نظر می‌رسد که نمی‌توان همه افرادی را که پس از فرو ریختن ساختمان و آگاهی از وقوع حادثه‌ای هولناک، در محل حضور داشتند



یا خودشان را به محل حادثه رساندند در یک دسته‌بندی کلیشه‌ای جای داد. افراد حاضر در محل را می‌توان در چهار دسته مشخص کرد:

(الف) افرادی که کسی را در حادثه گم کرده‌اند و نگران وضعیت او هستند و نمی‌خواهند تا آگاه شدن از وضعیت او محل را ترک کنند یا با شنیدن خبر به محل حادثه می‌آیند.

(ب) افرادی که مالی در ساختمان دارند و نمی‌دانند در وضعیت موجود چه اتفاقی برای سرمایه‌شان می‌افتد و نمی‌خواهند تا روشن شدن شرایط، محل را ترک کنند و یا با شنیدن خبر به محل می‌آیند.

(ج) رهگذران و تماشاچسانی که در محل حادثه بوده‌اند و حالا متوجه شده‌اند که شاهد اتفاقی مهم هستند و می‌خواهند که چیزهای بیشتری را شاهد باشند و حرف‌های بیشتری برای کسانی که این شانس را نداشته‌اند که در زمان مناسب در محل مناسب باشند، بیان کنند.

(د) کسانی که در محل حادثه نبوده‌اند و کسی و چیزی هم در محل حادثه ندارند ولی لازم می‌دانند که وضعیت را از نزدیک ببینند. این‌ها خود طیفی گسترده‌اند از خبرنگاران مستقل جوای شهرت تا فعالان مدنی و کسانی که بر خود فرض می‌دانند در موقعیت‌های مختلف اجتماعی مداخله‌گری داشته باشند.

زمینه ذهنی هر چهار دسته افراد این است که اگر از نزدیک در محل حادثه باشند، چیزی به دست می‌آورند که اگر نباشند به دست نمی‌آورند و بنابراین به هشدارها برای ترک محل توجهی نمی‌کنند. چنانچه تعریف بی‌تفاوتی^۱ را «عدم تلاش ناشی از احساس ناامیدی و بی‌قدرتی، برای بهبود وضعیت نامطلوبی که برای خودمان یا دیگران پیش آمده و در عین حال پای‌بندی به خط قرمز اخلاقی مبنی بر عدم بهره‌برداری از وضعیت نامطلوب» بدانیم، می‌توان گفت که هیچ‌کدام از افراد این چهار دسته بی‌تفاوت نیستند. بی‌تفاوت، فردی است که دود

1. apathy



ساختمان را دید و سری به تأسف تکان داد و با یادآوری حادثه‌های مشابه، به خود یادآوری کرد که از دست او و هیچ کس دیگری کاری بر نمی‌آید و راهش را ادامه داد و رفت. مفهوم بی‌تفاوتی در روان‌شناسی به افسردگی تنه می‌زند و کسی که دچار بی‌تفاوتی اجتماعی است، در مواجهه با پدیده‌های نامطلوب اجتماعی، احساس درماندگی می‌کند و بر آن است که قدرتی برای بهبود وضعیت ندارد و کاری نمی‌تواند بکند، بنابراین کاری نمی‌کند. بی‌تفاوتی، کنشی اجتنابی است ولی احساس همه افرادی که به اراده خود، در محل حادثه حضور داشته‌اند یا حضور یافته‌اند، متفاوت از این بود. در واقع فرد بی‌تفاوت، چند ویژگی دارد:

- وقتی تصمیم می‌گیرد که در این وضعیت خاص بی‌تفاوت باشد، در مورد نامطلوب بودن وضعیتی که برای خودش یا دیگری پیش آمده به نتیجه رسیده است؛ یعنی قاطعانه وضعیت را نامطلوب تعریف می‌کند.
 - وقتی تصمیم می‌گیرد که در این وضعیت خاص، بی‌تفاوت باشد، در مورد این که نمی‌تواند تأثیری در وضعیت داشته باشد و تلاشش هیچ فایده‌ای برای بهتر شدن وضعیت ندارد، به نتیجه رسیده است و در عین حال نمی‌خواهد از این وضعیت نامطلوب که نمی‌تواند بهبودش ببخشد، در راستای منافع شخصی‌اش بهره‌برداری کند. به عبارت دیگر، فرد بی‌تفاوت، از آب گل‌آلود ماهی نمی‌گیرد.
 - فرد بی‌تفاوت، بر مبنای دو فرض بالا تصمیم می‌گیرد که تلاشی برای تغییر وضعیت نامطلوب نکند. این تصمیم ممکن است مبنای هیجانی یا عقلانی داشته باشد، ولی در صورت کنش، تأثیری ندارد. آنچه ناظر بیرونی می‌بیند و کنش‌گر بر آن اذعان دارد، این است که او تلاشی برای تغییر وضعیت نمی‌کند.
- در حادثه پلاسکو، ما با دو دسته افراد مواجه هستیم. افرادی که در محل حادثه هستند و تصمیم گرفته‌اند محل را ترک کنند، چون به



این نتیجه رسیده‌اند که با ترک کردن محل حادثه، می‌توانند به تغییر وضعیت نامطلوب کمک کنند - مثلاً امدادسانی را تسهیل کنند - این دسته برای خود نقشی در بهبود وضعیت قائل هستند و قطعاً بی‌تفاوت نیستند؛ دسته دوم افرادی هستند که در محل حادثه حضور دارند و علی‌رغم هشدارها، تصمیم گرفته‌اند آن‌جا را ترک نکنند. این تصمیم می‌توان بر اساس سه فرض منتهی به بی‌تفاوتی مورد بررسی قرار داد:

۱. کسانی که تصمیم می‌گیرند علی‌رغم هشدارهای نیروهای امنیتی و امدادی، محل حادثه را ترک نکنند یا به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت نامطلوبی اتفاق افتاده است یا به این نتیجه نرسیده‌اند. دو دسته اول یعنی کسانی که عزیزی را در حادثه گم کرده‌اند یا سرمایه‌شان به مخاطره افتاده است یا هر دو، قطعاً تصویری روشن از نامطلوب بودن وضعیت دارند. ولی در دسته سوم و چهارم، ممکن است عده‌ای به این آگاهی رسیده باشند که با وضعیتی نامطلوب مواجه‌اند و عده‌ای به چنین آگاهی نرسیده باشند. کسانی که روی ماشین آتش‌نشانی می‌ایستند و راه نیروهای امدادی را می‌بندند و در محل حادثه می‌خندند یا سعی می‌کنند در جلوی دوربین صدا و سیما حاضر شوند تا در تلویزیون دیده شوند، احتمالاً در این دسته‌اند. این‌که این افراد متعلق به کدام بسترهای تاریخی، اجتماعی و روانی هستند که درکی از نامطلوب بودن وضعیت ندارند، نیازمند تحلیل‌ها و بررسی‌های بیشتر است و در این مطلب به این‌که چه می‌شود که عده‌ای نامطلوب بودن وضعیت را درک نمی‌کنند، پرداخته نمی‌شود.

۲. کسانی که تصمیم می‌گیرند، علی‌رغم هشدارهای نیروهای امنیتی و امدادی، محل حادثه را ترک نکنند. براساس نظریه کنش عقلانی، قطعاً به این نتیجه رسیده‌اند که منفعت حضورشان در محل حادثه از هزینه‌اش بیشتر است و با ترک محل، «منفعتی»



را از دست می‌دهند که با حضورشان در محل، احتمال بیشتری وجود دارد که آن را از دست ندهند. این «منفعت» البته برای هر فرد و افراد هر دسته‌ای متفاوت است، ولی منفعتی مشترک که برای همه آنها با حضورشان در محل حادثه محفوظ می‌ماند، «دسترسی سریع‌تر به اخبار» است که قدرت کنش‌گری آنها را افزایش می‌دهد و به واسطه آن می‌توانند از میزان نامطلوب بودن وضعیت بکاهند یا بهره‌برداری کنند. کسی که عزیزی را گم کرده است، اگر در محل حادثه باشد می‌تواند شخصاً در میان مصدومان یا جان‌باختگان احتمالی عزیزش را جست‌وجو کند. کسی که سرمایه‌ای را از دست داده است، می‌تواند با حضور در محل حادثه، شخصاً ناظر تصمیمات در مورد سرمایه‌های یافته‌شده از زیر آوار باشد و روند تصمیم‌گیری را پیگیری کند. به جز این دو دسته، افراد دیگری هم هستند که معتقدند حضورشان و دسترسی نزدیک‌شان به اخبار می‌تواند به مثابه سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی‌شان عمل کند و قصد ندارند از این سرمایه، چشم‌پوشی کنند. این سرمایه برای فردی ممکن است پاسخ به نیاز جلب توجه دوستان و آشنایانش ولو برای چند روز باشد و برای فرد دیگری، توانایی فیلم‌برداری از موقعیت و مانع شدن از بازنمایی یک جانبه و تحریف شده ماجرا از جانب رسانه‌های انحصاری.

۳. کسانی که علی‌رغم هشدارهای نیروهای امنیتی و امدادی، تصمیم گرفته‌اند محل حادثه را ترک نکنند، کسانی هستند که قصد نداشتند کنش اجتنابی انجام دهند.

در این جا ما با موقعیتی استراتژیک مواجه‌ایم که در آن طرف‌های رابطه، منابع و داشته‌هایشان را عرضه می‌کنند و با توجه به امکانات خودشان و دیگران تصمیم می‌گیرند که در این موقعیت چگونه رفتار کنند تا سود بیشتری به دست آورند. برای فهم منطق انتخابِ ماندن



در محل حادثه، باید به زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و روانی که این انتخاب را بهینه‌تر از سایر انتخاب‌ها جلوه می‌دهند، دقت کرد.

برای فردی که در محل حادثه حاضر است، «منبع»، توانایی‌های فردی‌اش است. به علاوه دسترسی مستقیم‌اش به اطلاعات که قدرت تصمیم‌گیری او را افزایش می‌دهد. منبعی که در اختیار دیگران درگیر در این مسئله است و او می‌تواند منبع‌اش، یعنی حضورش در محل حادثه را به امید سود بیشتر به آنها واگذار کند چیست؟ به عبارت دیگر، فردی که در محل حادثه حاضر است اگر بداند که «دیگری» امکانات و منابع بیشتری در اختیار دارد و چنانچه او نیز منبع خودش را در اختیار او قرار دهد و محل حادثه را ترک کند، بر سرمایه دیگری افزوده است و بنابراین در منفعت دیگری شریک می‌شود و این منفعت از منفعت کنش مستقل او بیشتر است، به لحاظ عقلانی باید حق کنترل کنش خودش را به دیگری واگذار کند و محل حادثه را ترک کند. در حادثه پلاسکو «دیگری» فعال در مسئله، در مقابل افراد حاضر در صحنه، قدرت‌های پراکنده است. ستاد مدیریت بحران، نیروهای امدادی، نیروهای امنیتی، شهرداری، رسانه ملی و نهادهای دیگری که منسجم نیستند و تجربه تاریخی نشان داده است که دچار چالش‌های جدی با یکدیگرند و بعضاً اخبار یکدیگر را تکذیب می‌کنند. تصمیم افراد برای استفاده از منابع در اختیار خودشان و عدم واگذاری این منابع به دیگری موثر در صحنه حادثه را نمی‌توان بدون توجه به میزان اعتماد موجود در رابطه فهمید. افراد در بستری از بی‌اعتمادی، به کارآمدی نهادهای دست‌اندرکار و افراد دیگر حاضر در محل، و الگوهای فرهنگی نهادینه‌شده‌ای که بارها و بارها از کودکی به آنها گوشزد کرده است که «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من»، تصمیم می‌گیرند که شخصاً منافع‌شان را پی‌گیری کنند، هرچند که این پی‌گیری منافع شخصی به ضرر منافع دیگران باشد؛ چراکه در بستر



بی‌اعتمادی، فرض بر این است که افراد، از عقب‌نشینی دیگران، برای پیش‌روی بیشتر به سمت منافع خودشان استفاده می‌کنند. فردی که عزیزی را گم کرده یا سرمایه‌ای را از دست داده است، نمی‌داند که با اعتماد به چه کسی یا نهادی می‌تواند دست از مداخله شخصی خودش در مسئله بردارد و به انتظار عمل مسئولانه دیگری محل حادثه را ترک کند، در حالی که در فضای هیجانی و احساسی، حتی زمزمه‌هایی از عمدی بودن حادثه و سیاسی‌شدن مسئله و تلاش برای تحریف کردن ابعاد حادثه به گوشش می‌رسد و کسی که گمان می‌کند در هیاهوی این وضعیت، منفعتی مادی یا روانی مانند کسب شهرت یا حتی ارضای حس مسئولیت اجتماعی و کمک به هم‌نوع برایش وجود دارد، دلیلی عقلانی برای ترک محل حادثه نمی‌بیند. فرد فرصت‌طلب، گمان می‌کند که در هرج و مرج موجود، کسی مانع سواستفاده مادی‌اش نمی‌شود و فرد خیرخواه، می‌پندارد که با ترک محل حادثه، در وظیفه خدمت‌رسانی به هم‌نوعانش به هر نحوی - از دل‌داری تا فیلم‌برداری تا دادن بطری آب به امدادگران - کوتاهی کرده است. بنابراین، در نبود یک دیگری قابل اعتماد - در اینجا نهادهای مسئول - که افراد با طیب خاطر، حق کنترل کنش‌هایشان را به او واگذار کنند و باور داشته باشند که ضرر نمی‌کنند و در فقدان الگوهای فرهنگی که افراد را به بهینه‌سازی نقطه تعادل در منافع ترغیب کند، کسانی که بی‌تفاوتی در پیش نگرفته‌اند، مستقلاً برای دستیابی به منافع‌شان تلاش می‌کنند و در این میان کاملاً غیرقابل پیش‌بینی و مبتنی بر احتمالات، برخی بسیار ضرر می‌کنند و برخی بسیار نفع می‌برند و در موقعیتی دیگر ممکن است جای این‌ها با هم عوض شود.

بدیهی است که رفتار افرادی که حاضر نشدند محل حادثه پلاسکو را ترک کنند، قابل تأیید نیست، ولی بدون فهمیدن منطق این رفتار و با واکنش‌هایی نظیر برجسب‌زنی‌های هشتگی، نمی‌توان امیدی به



آیا آنها گوسفندند؟ | ۳۰۷

عدم تکرار چنین رفتارهایی داشت. مداخله‌گری‌های سرخود، تنها در دو صورت کاهش می‌یابد: یا افزایش احساس اعتماد به دیگرانی که کارآمدترند، یا ناامیدی از امکان بهبود وضعیت و کاهش احساس اثربخشی و شیوع بیشتری تفاوتی اجتماعی.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی